روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۶۰۳۶۱۲۲ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

سه‌شنبه • ۱۱ شهریور ۱۳۹۹ • ۱۲ محرم ۱۴۴۲ • ۱ سپتامبر ۲۰۲۰
سال هجدهم • شماره ۳۸۰۵ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۰۴ • اذان مغرب ۱۹:۵۰
اذان صبح فردا ۵:۱۰ • طلوع آفتاب ۶:۳۷

fardashargh@gmail.com

روزنامه فردا

نورنوشت

عزاداری روز عاشورا در بیابان‌های خوریان سمنان، عکس: علی ابک، فارس

اتفاق

مسعود مهرابی درگذشت

گروه هنر: مسعود مهرابی، صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول ماهنامه سینمایی «فیلم» درگذشت.

عباس یاری، همکار قدیمی مرحوم مهرابی در مجله فیلم، این خبر را در صفحه اینستاگرام خود تأیید کرد. او دراین‌باره نوشت: «افسوس.. افسوس... باورم نمی‌شود، مسعود عزیز، یکی از ستون‌های اصلی مجله فیلم هم رفت. چه بگویم؟ چه بنویسم؟ این چندمین عضو پیکر من است که به خاطر سکته از این جهان خداحافظی می‌کند و من را با کوهی از غم تنها می‌گذارد، وای مسعود...».

مسعود مهرابی متولد ۱۳۳۳ در تهران - روزنامه‌نگار، نویسنده و کاریکاتوریست ایرانی- دانش‌آموخته رشته سینما و تلویزیون از دانشکده هنرهای دراماتیک دانشگاه هنر(۱۳۵۵-۱۳۶۱) بود. همچنین او رشته مدیریت تولید فیلم را در سازمان مدیریت صنعتی ایران گذراند. مهرابی فعالیت خود را به‌عنوان روزنامه‌نگار از سال ۱۳۵۰شروع کرد و تا سال ۱۳۶۴ با بیش از ۲۰ نشریه همکاری داشت. او تا زمان فوت مدیر و صاحب‌امتیاز فیلم (از سال ۱۳۶۲) و سالنامه فیلم (از سال ۱۳۷۱) بود. انتشار فصلنامه انگلیسی‌زبان Film International از سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۹۱ از دیگر فعالیت‌های مطبوعاتی او بود. ماهنامه سینمایی فیلم مشهور به مجله فیلم از پایدارترین نشریات ایران با موضوع سینماست. این نشریه در سال ۱۳۶۱ با نام «سینما در ویدئو» آغاز به کار کرد و از سال ۱۳۶۲ به نام کنونی تغییر یافت. مهرابی همچنین از سال ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۸ به‌عنوان طراح و کاریکاتوریست در گروه دانش و

اقتصاد شبکه اول صداوسیما کار کرد. مهرابی علاوه‌بر کتاب‌هایی در زمینه طرح و کاریکاتور، کتاب‌های سینمایی نیز تألیف کرده است. کتاب‌های «نردبان‌های بی‌بام» (۱۳۵۵)، کاریکاتورهای سیاه (۱۳۵۹)، دندان (۱۳۵۹)، کاریکاتورهای سینمایی (۱۳۶۴) به‌صورت گردآوری و میان سایه‌روشن(۱۳۷۱) از آثار او در زمینه طرح و کاریکاتور هستند. از تألیفات سینمایی او می‌توان به کتاب‌های «تاریخ سینمای ایران» از آغاز تا سال ۱۳۷۵ (با ۱۱ تجدید چاپ)، «کتاب‌شناسی سینما در ایران» از آغاز تا ۱۳۶۶، «فرهنگ فیلم‌های کودکان و نوجوانان»، «فرهنگ فیلم‌های کوتاه ایرانی»، «کتاب‌شناسی سینما در ایران» از ۱۳۶۶ تا ۱۳۷۰، «پوسترهای فیلم» از ۱۳۰۵ تا ۱۳۷۱، «فرهنگ فیلم‌های مستند سینمای ایران»، «کتاب‌شناسی سینما در ایران» از آغاز تا ۱۳۸۰، «پشت دیوار رؤیا» (سیاحت‌نامه جشنواره‌های جهانی فیلم)، «صد سال اعلان و پوستر فیلم در ایران» و «صدوپنج سال اعلان و پوستر فیلم در ایران» اشاره کرد.

مدیران سینمایی درگذشت او را تسلیت گفته‌اند و ایسنا با اشاره به مصاحبه‌ای که هرگز از او منتشر نشد، نوشت: حالا مسعود مهرابی از دنیا رفته است و هرکدام از کتاب‌هایش را که باز می‌کنی بخشی از تاریخ سینمای ایران در آن نهفته است و او در بخش پایانی مقدمه کتاب تاریخ سینمای ایران که بیش از ۱۱ بار تجدید چاپ شده، نوشته است: «می‌گویند سینمای ایران مرده است، سینمایی که در تاریخ این سرزمین ریشه‌های ستبر و عمیق و دیرین دارد، هرگز نمی‌میرد». روحش شاد.

آگهی فراخوان عمومی خدمات مشاوره

نوبت اول

شهرداری فردیس در نظر دارد بر اساس بودجه مصوب سال ۱۳۹۹ ، نسبت به ارزیابی کیفی و فنی مشاوران مدیریت طرح کلیه پروژه های عمرانی در سطح شهر فردیس اقدام نماید، لذا از کلیه متقاضیان دعوت به عمل می آید از تاریخ انتشار نوبت اول آگهی با مراجعه به امور قراردادهای شهرداری واقع در جاده ملارد جنب پارک منظریه خ ۱۶ متری حافظ بلوار فرگاز انتهای بلوار شهید تهرانی مقدم روبه روی شهرک بهارستان شهرداری مرکزی فردیس نسبت به اخذ اسناد مناقصه اقدام نمایند .جهت دریافت اسناد داشتن رتبه مربوطه و ارائه تاییدیه صلاحیت گواهی مشاوره در سایت oldpmn.mporg.ir و یا sajar.mporg.ir ، معرفی نامه ممهور به مهر و امضای مدیرعامل ، روزنامه آخرین آگهی تغییرات اعضای شرکت ، کد اقتصادی و مالیات بر ارزش افزوده الزامی است ، سایر اطلاعات و جزئیات در اسناد مناقصه درج شده است .مناقصه به صورت دو مرحله ای و به روش QCBS و پس از ارزیابی کیفی و فنی و تهیه فهرست بلند برگزار خواهد شد . هزینه چاپ آگهی به عهده برنده مناقصه می باشد ، شهرداری فردیس در رد یا قبول هر یک از پیشنهادها مختار است و کلیه اسناد و مدارک مربوط به متقاضیان نزد شهرداری باقی می ماند.کلیه اسناد مناقصه و اسناد ارزیابی کیفی(RFQ) و فنی(RFP) تکمیل شده و اصل امضای دارندگان حق امضاء می بایست در پاکات لاک و ممهور به مهر شرکت شده و تا پایان وقت روز یک شنبه مورخ ۱۳۹۹/۰۶/۳۰ صرفاً توسط پست پیشتاز به دبیرخانه شهرداری ارسال گردد. جلسه کمیسیون مناقصات شهرداری ۴۸ ساعت بعد از اتمام مهلت ارسال در محل دفتر شهردار فردیس برگزار خواهد شد. بدیهی است ارسال سوابق و اسناد هیچگونه حقی را در واگذاری موضوع آگهی به همراه نخواهد داشت.

ردیف	موضوع خدمات مشاوره	روش انتخاب	محل اجرا	گروه	تخصص	حداقل رتبه لازم	مدت
۱	مشاور مطالعات طرح جامع ترافیک و تعیین سند چشم انداز ترافیک شهر برای افق های آتی	QCBS دو مرحله ای	سطح شهر فردیس	مشاورین راه ترابری	حمل و نقل و ترافیک	۱	۱۰ماه

شهرداری فردیس

تحلیل

انتخاب ناگزیر میان ۲ شر

علی‌اصغر سیدآبادی

افشاگری‌های اخیر برخی از زنان درباره تجاوزها و تعرض‌های جنسی در شبکه‌های اجتماعی جامعه را ناگزیر از انتخاب میان دو شر کرده است. این افشاگری‌ها نشان می‌دهد نظام‌های حقوقی در رسیدگی به این نوع اتهامات و دفاع از حقوق آسیب‌دیدگان از تجاوز جنسی «ناتوان» هستند و با سازوکارهای کنونی رضایت آنان حاصل نمی‌شود.

این گزارش‌های افشاگرانه در فضایی ناامیدانه از رسیدگی‌های قانونی منتشر می‌شود؛ زیرا پژوهش‌ها نشان داده است که پیش‌ازاین در بسیاری از کشورها ازجمله آمریکا شکایت زنان به دلیل فقدان مدارک و شواهد معمولا به جایی نمی‌رسد یا به دشواری امکان موفقیت دارد. براساس این گزارش‌ها معمولا چنین اتفاقاتی در خلوت رخ می‌دهد و متجاوزان -به‌ویژه اگر با نقشه قبلی سراغ این کار رفته باشند- سند و شواهدی از خود بر جای نمی‌گذارند. گذشته از این آسیب‌دیدگان نیز به‌دلایل مختلف ازجمله آسیب‌های روانی تجاوز، ترس از آبرو، ترس از خانواده و نبود آموزش، بلافاصله گزارش نمی‌دهند و بسیاری از آنان سال‌ها یا حتی همیشه سکوت می‌کنند.

در سال‌های اخیر برخی از زنان هنرمند و روشنفکر در جنبش‌هایی که از آمریکا شروع شد، به جای رسیدگی زمان‌بر و پرهزینه قضائی، اعتراض به تجاوز را در پویش‌ها و جنبش‌های اجتماعی دنبال می‌کنند. افراد با انگیزه‌های مختلف به این پویش-جنبش‌ها می‌پیوندند، انگیزه‌هایی مانند آگاه‌سازی و پیشگیری از تجاوزهای بعدی، مقابله با عوارض سال‌های تجاوز و درمان و کسب آرامش یا حتی انتقام. بااین‌حال این «جنبش نوپای اجتماعی» به‌دلیل برخورداری از پشتوانه شبکه‌های اجتماعی و همراهی رسانه‌های رسمی، در مواردی نظام‌های حقوقی را -به ویژه وقتی این اتهامات به تواتر ازسوی افراد مختلف درباره یک نفر تکرار شده است- نیز وادار به رسیدگی کرده است، اما همواره منتقدانی نیز دارد.

منتقدان معتقدند که این نوع پویش‌ها و جنبش‌ها عملا حقوق متهم را نادیده می‌گیرند و او را -به‌ویژه به‌دلیل پرهزینه‌بودن شکایت در برخی از کشورها مانند آمریکا- از حق دفاع عادلانه محروم می‌کنند. افزون بر این همواره این امکان فراهم است که در فضای احساسی و پرهیجان ناشی از این افشاگری‌ها برخی نیز با انگیزه‌های مختلف دنبال تسویه‌حساب با افراد سرشناس یا حتی سرکوب رقبای سیاسی باشند. البته طرفداران این جنبش‌ها و پویش‌ها در برابر این انتقادها نیز پاسخ‌هایی دارند. یکی از این پاسخ‌ها ارجاع به مطالعاتی است که نشان می‌دهد ادعای دروغین در این ماجراها بسیار کم ثبت شده است.

با این وصف، ما از یک‌سو حق را به آسیب‌دیدگان از تجاوز و تعرض جنسی می‌دهیم که این راه را تا اینجا بهترین و کارآمدترین راه برای اعتراض می‌دانند و از سوی دیگر تن‌دادن به چنین راهی نقض یکی از اصول بنیادین حقوق است و در حقیقت به نظر می‌رسد در این وضعیت جوامع انسانی در برابر دو شر ناگزیر از انتخاب هستند: شر بزرگی به نام تجاوز و شر بزرگی به نام نقض اصل برائت.

رسیدگی به پرونده‌های تجاوز به دلایلی که پیش‌ازاین گفته شد، پیچیده و در موارد بسیاری با وجود وقوع در محاکم قضائی، اثبات‌ناپذیر است.

از سوی دیگر، اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده ۱۱ افراد متهم را تا زمان احراز و اثبات جرم در دادگاه علنی که همه حقوقش در دفاع از خویش تضمین شده باشد، بی‌گناه می‌داند.

ماده ۳۷ قانون اساسی ایران نیز بر اصل برائت تأکید می‌کند. همچنین ماده ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر می‌گوید که هیچ احدی نباید در قلمرو خصوصی، خانواده، محل زندگی یا مکاتبات شخصی، تحت مداخله [و مزاحمت] خودسرانه قرار گیرد. به همین سیاق شرافت و آبروی هیچ‌کس نباید مورد تعرض قرار گیرد. هر کسی سزاوار و محق به حفاظت قضائی و قانونی در برابر چنین مداخلات و تهاجماتی است.

از یک‌سو این حق برای افراد حقی بنیادین است و اگر آن را نقض کنیم، شر بزرگی رخ می‌دهد و از سوی دیگر با حفظ چنین اصلی اثبات اتهاماتی مانند تجاوز در این چارچوب به دلایل مختلف که برخی از آنها ذکر شد، با وجود وقوع برای افراد، دشوار و خارج از توان مالی، روحی و حتی جسمی آسیب‌دیدگان است. تجربه نیز نشان داده است که در این ماجرا تأثیر پویش-جنبش‌های اجتماعی در آموزش و پیشگیری هم به مردان و هم به زنان بیش از سازوکارهای کنونی حقوقی است.

طبیعی است که محققان حقوق و سیاست‌گذاران اجتماعی و حقوقی باید دنبال راه‌هایی برای حل این مشکل باشند؛ اما آیا در همین چارچوب‌های اجتماعی راهی غیر از تن‌دادن به یکی از این دو شر نیست؟

یکی از پیشنهادهایی که به نظرم می‌رسد، تشکیل نهادهای داوطلبانه با حضور وکلای شناسنامه‌دار برای ثبت گزارش‌های تجاوز و تعرض و بررسی و مشاوره و کمک حقوقی به آسیب‌دیدگان است. برای این موضوع می‌توان از فناوری‌های نوین و بسترهای آنلاین نیز کمک گرفت. این گزارش‌ها می‌تواند به شرط اعلام‌نشدن عمومی با نام واقعی ثبت شود و چنانچه درباره یک نفر گزارش‌های موثق متعدد دریافت شد، این نهاد اقدام قضائی و در صورت لزوم اقدام اجتماعی انجام دهد.

وجود چنین نهادهایی گزارش‌گیری درباره تجاوز و تعرض را دائمی کرده و در آموزش و پیشگیری نیز مؤثر خواهد بود.

صاف و ساده

شینزو آبه یا لوکاشنکو؟

قادر باستانی

وقتی در تلویزیون، تصاویر مردم بلاروس را می‌بینم که بر ترس خود غلبه کرده و به خیابان آمده‌اند، یاد شهریور ۵۷ می‌افتم که مردم ما با چه شور و حرارتی شعار «مرگ بر شاه» سر می‌دادند و تمام بدبختی‌های خود را در وجود شخصی مستبد جست‌وجو می‌کردند. لوکاشنکو ۳۰ سال است بر اریکه قدرت تکیه زده و خیال پایین‌آمدن ندارد. او مخالفانش را تحریک‌شده ازسوی غربی‌ها قلمداد می‌کند که درپی نابودی بلاروس هستند. افرادی از این قماش، دچار سندرم «خودبرگزیده‌پنداری» هستند که انگار رسالت والایی بر عهده دارند و باید تا آخر عمرشان، حکم برانند و اگر کسی مخالفت کند، او را عامل دشمن می‌خوانند. نقطه مقابلشان، افرادی مثل نخست‌وزیر ژاپن هستند که چه آسوده‌خاطر، صندلی قدرت را رها می‌کنند. امپراتور این کشور هم چندی قبل، تخت پادشاهی را راحت واگذاشت و رفت.

من معتقدم نظام استبدادی، غالبا معلول سنت‌ها و زمینه‌های فرهنگی است. سنت فرهنگی بلوک شرقی، روس‌ها، بلاروس و اسلاوها و حتی لهستان، استبداد را برمی‌تابد. نقطه مقابل آن، سنت شورایی و مشارکتی فرهنگ شینتوئیسم ژاپنی است که کاملا با منطق استبداد یا فردمحوری فرهنگ روس و خاورمیانه‌ای و سنت شاهنشاهی ایرانی، مغایر است. عجم‌اوغلو و رابینسون در کتاب «چرا برخی ملت‌ها شکست می‌خورند؟»، ریشه‌های قدرت، ثروت و فقر را در دو مدل حکومت معرفی می‌کنند: مشارکتی و انحصاری؛ نمونه روشنی برای ژاپن و بلاروس.

مانس اشپربر، نویسنده اتریشی- فرانسوی، شاگرد آلفرد آدلر و هم‌عصر ژان پل سارتر، کتابی دارد که در فارسی به نام «روان‌شناسی خودکامگی»، انتشار یافته است. او این کتاب را قبل از ظهور هیتلر نوشته و در آن، با تحلیل روان‌شناختی شخصیت و رفتار خودکامگان، نشان می‌دهد که مستبدان، به خودی خود خودکامه و جبار نمی‌شوند، بلکه آنها محصول رفتار توده‌هایی هستند که خلق‌وخوی جباریت، بخشی از وجود آنهاست و برای آنکه خودکامگی، برای همیشه از جامعه‌ای رخت بربندد، باید روحیه خودکامگی توده‌ها از بین برود. او به زیبایی نشان می‌دهد که چگونه جباران با ساده‌کردن مسائل پیچیده زندگی، راه‌حل‌های عامه‌پسند، اما غیر قابل اجرا می‌دهند و اصلا هم نگران عدم قابلیت اجرای این ایده‌های خود نیستند؛ چراکه آموخته‌اند وقتی راه‌حلشان به نتیجه نرسید، به‌راحتی می‌توانند با انداختن مسئولیت این ناکامی به گردن دشمن، این ناکامی را به فرصتی تبدیل کنند تا نشان دهند که دشمنانشان چقدر قدرتمندند و نمی‌گذارند آنها به اهدافشان برسند.

ملت‌هایی با سنت فرهنگی سازگار با خودکامگی، قابلیت ابتلا به استبداد دارند و باید هزینه بسیاری برای برون‌رفت از آن را پرداخت کنند؛ این هزینه‌های شوم، حتی گاهی سال‌ها بعد از مضمحل‌شدن شخص مستبد، دست از سر آن کشور برنمی‌دارد. سرنوشت صدام، قذافی، پل پوت، هیتلر، موسولینی، استالین و ده‌ها دیکتاتور دیگر، برای همه آشنا و ملموس است که چه اثراتی بر سرنوشت ملت و کشور خود بر جای نهاده‌اند. آنها به خیال خود، پیش وجدانشان آسوده بودند که توانشان را گذاشته و برای صلاح کشورشان کار کرده‌اند، اما این توهم شخصی، برای ملتی دربند استبداد، سنگین و گران تمام می‌شد.

تکلیف قهرمانانی چون شینزو آبه مشخص است. در یک فرهنگ مشارکتی، طبق فرایند دموکراتیک به قدرت رسیدند. برای ماندگاری در قدرت اقدامی نکردند که دیگر نتوان آنها را از قدرت به زیر کشید. زمانی هم که احساس خستگی و کم‌توانی کردند، قدرت را بوسیده و راحت کنار گذاشتند. اما حساب مستبدان جداست. افراد مستبد، دو گونه‌اند؛ یک دسته از آنها اعتقاد به پیشرفت و توسعه دارند و می‌خواهند میان‌بر بزنند و این پیشرفت را آمرانه، در زمان کوتاه‌تری عاید جامعه خود کنند. دسته دیگر توهماتی مثل جامعه بی‌طبقه و سوسیالیسم ناب و نژاد برتر و نظایر آن در سر دارند و مدام مدینه فاضله‌ای را به مردم نشان می‌دهند، اما حاصلی جز تیره‌بختی و فساد و تباهی نسل، برجای نمی‌گذارند. دسته اخیر خطرناک‌تر هستند. جباران معتقد به توسعه، فقط آزادی را محدود می‌کنند و نقد و مخالفت را برنمی‌تابند، اما درپی رفاه و آسایش بیشتر مردمانشان هستند. مستبدان متوهم، همه امکانات و داشته‌های کشور را خرج موهوماتی می‌کنند که جز خسارت، حاصل دیگری ندارد. آنها وقتی می‌بینند کار، چنان که فکر می‌کردند پیش نرفت، دنبال کسی می‌گردند و ناکامی‌های خود را گردن آن می اندازند.

در زمان استبداد، جوانان و نوباوگان در آرزوی آزادی و بهروزی، پیر و فرسوده می‌شوند و می‌میرند و حسرت آن را با خود به گور می‌برند، اما امید به پایان شب سیاه، از جامعه رخت بر نمی‌بندد. عده‌ای در تب‌وتاب رسیدن به آرزوهایشان، خاک سرزمینشان را وا می‌گذارند و به امید زندگی بهتر، راهی جوامع دیگر می‌شوند و عده‌ای دیگر، هر از چند گاه، مثل مردم بلاروس، به ترس خود غلبه کرده و در خیابان به مصاف استبداد می‌روند که شوربختانه کمتر نتیجه می‌گیرند.

حالا شانس مردم ژاپن است که نظام مشارکتی و سیاست‌مداری چون شینزو آبه و امپراتوری چون آکی‌هیتو دارند، یا بدشانسی مردم بلاروس است که گرفتار سنت خودکامگی و جان‌سختی لوکاشنکو شدند، مسئله آن است که جامعه انسانی دچار دگردیسی بزرگی شده است. در جوامع سنتی استبدادپرور، ابرهای تیره‌روزی براثر تحولات فناورانه بزرگ، باریدن گرفته و گوهر آگاهی را بر توده‌های تحت ستم پخش کرده و روح خودکامگی توده‌ها را دیگرگون کرده است. دیگر نمی‌توان به‌راحتی مردم را فریفت و به دنبال خود به ناکجاآباد کشاند. اینک خرد جمعی در فضای مجازی شکل گرفته و به توده‌های جوان، قدرت بخشیده تا به‌تدریج سنت‌های گذشته را اصلاح کنند. رفتار سیاسی زمامدار ژاپن، باید الگویی باشد برای لوکاشنکوهایی که با چنگ و دندان به قدرت چسبیدند و عرض خود می‌برند و زحمت ملت می‌دارند.

اتفاق

مشاهده یوزپلنگان در سمنان

● **ایسنا:** حدود چهار سال گذشته تخمین زده شد که کمتر از ۴۰ یوزپلنگ در ایران وجود دارد. این یوزها آخرین بازمانده‌های گونه یوزپلنگ آسیایی بودند که به‌شدت در معرض خطر انقراض‌اند. اکنون تعداد دقیقی از یوزها و نوسانات جمعیتی آنها در دسترس نیست؛ اما مدیرکل حفاظت محیط زیست سمنان می‌گوید که از ابتدای سال تاکنون در این استان -به‌عنوان زادآورترین زیستگاه یوز- ۲۱ یوزپلنگ مشاهده شده که برای ۱۳ تا از آنها شناسنامه تهیه شده است.

امیر عبدوس با بیان اینکه برنامه ما برای حفظ بقای یوزپلنگ در ایران، حفاظت از آن در زیستگاه و طبیعت است، اظهار کرد: توفیقاتی که ما در زیستگاه به دست آوردیم، بیشتر از توفیقات حاصل از پروژه تکثیر در اسارت است. او با اشاره به اقدامات انجام‌شده برای حفاظت از یوزپلنگ‌ها در طبیعت گفت: مهم‌ترین عامل تهدید زیستگاه‌های یوز، حضور دام و سگ گله در آن است. درحال‌حاضر حدود ۵۰۰هزار هکتار از محدوده ۱.۵ میلیون‌هکتاری توران -ازجمله تمام وسعت صد هزارهکتاری پارک ملی توران- خالی از دام شده است و عرصه امنی را در مرکز ذخیره‌گاه زیست‌کره توران برای یوزها ایجاد کرده‌ایم. عبدوس در ادامه با اشاره به مشاهده یوزپلنگ‌های جدید در منطقه توران اظهار کرد: براساس تصاویر دوربین‌های تله‌ای و عکس‌هایی که افراد محلی ثبت کرده‌اند، از ابتدای امسال تاکنون ۲۱ یوزپلنگ در استان سمنان مشاهده شده است که برای ۱۳ تا از آنها شناسنامه تهیه شده و نام‌گذاری شده‌اند. این کار به ما کمک می‌کند که در صورت مشاهده مجدد آنها شمارش تکراری نداشته باشیم. او درباره هشت یوزپلنگی که دیده شده، اما برای آنها شناسنامه‌ای تهیه نشده است، گفت: تصاویر موجود از این هشت یوزپلنگ واضح و قابل تبدیل‌شدن به شناسنامه بود؛ چراکه این شناسنامه‌ها براساس خال‌های موجود روی بدن یوزها -که در هر یوزپلنگ منحصربه‌فرد است- تهیه می‌شود. مدیرکل حفاظت محیط زیست استان سمنان افزود: درحال‌حاضر دو خانواده چهارتایی و سه یوزپلنگ تک در منطقه توران شناسنامه‌دار شده‌اند؛ همچنین برای دو یوزپلنگ مشاهده‌شده در منطقه چاه شیرین سمنان نیز شناسنامه تهیه شده است. یک خانواده پنج‌تایی از یوزپلنگ‌ها دو بار در امسال -فروردین و شهریور- در توران مشاهده شدند که با توجه به واضح‌نبودن عکس‌ها، هنوز برای آنها شناسنامه‌ای تهیه نشده است.